



کودکی

دکتر منیژه مشیری تفرشی، مدرس دانشگاه

گاهی مسئولان مدرسه با دانش‌آموزانی روبه‌رو می‌شوند که حتی به هم‌مدرسه‌ای‌های بزرگ‌تر از خود نیز آزار کلامی یا فیزیکی می‌رسانند. اولین اقدام برای تغییر رفتار این دانش‌آموزان، پی بردن به ریشه رفتار آنان است. این نوشتار پس از بررسی ریشه‌های تجاوزکاری در کودکان و نوجوانان، چند راهکار را در مورد این دانش‌آموزان به مسئولان مدرسه ارائه می‌کند.

تجاوز به حقوق دیگران چیست؟

بنا بر واژه‌نامه روان‌شناسی، تجاوز به حقوق دیگران نوعی رفتار ضداجتماعی است که شخص با هدف آسیب‌رساندن به اشیای متعلق به دیگران، درگیری فیزیکی با آنان یا آزار کلامی آن‌ها، مانند گفتن سخنان نیش‌دار و کنایه‌آمیز و توهین بی‌دلیل و تهدید انجام می‌دهد. تجاوزکاری نیز مانند سایر جنبه‌های رشد کودک به‌طور وسیعی مورد مطالعه قرار گرفته است.

در عین حال، روان‌شناسان برای رسیدن به تعریف جامعی از تجاوزکاری، با مشکل روبه‌رو شده‌اند؛ تعریفی که هم از نظر اهداف علمی، عینی باشد (برای مثال به‌آسانی مشاهده و اندازه‌گیری شود) و هم قوه درک ما به تشخیص پایدار و ثابت از این مقوله برسد. به عبارت دیگر، معلوم نیست به‌طور دقیق چه رفتاری را باید تجاوزکارانه و چه رفتاری را غیر تجاوزکارانه دانست.

اعمال تجاوزکارانه از روی تعمد و به هدف صدمه‌زدن صورت می‌گیرند. پرتاب آجر به سر کسی یا اتومبیلش، اگر به آن اصابت هم نکنند، از نظر افراد جامعه رفتاری ضداجتماعی است. اما مشاهده و اندازه‌گیری قصد و هدف یک رفتار، برای پژوهشگر به‌آسانی میسر نیست.

معلم ابتدا باید انگیزه‌های شخصی

دانش‌آموز متجاوز^۱ را بشناسد و به ریشه آن پی ببرد. سپس زمینه یا شرایطی را بررسی کند که هر بار باعث بروز چنین رفتاری می‌شود. آگاهی از بافت خانواده، تعداد نفرت خانواده، ویژگی فرهنگی و شرایط اقتصادی خانواده و شرایط جسمی دانش‌آموز، برای معلم ضروری است. تماس با سایر مسئولان مدرسه و دانستن قضاوت آنان درباره دانش‌آموز، و آگاهی از نظر پهلودستی‌های او در کلاس نیز کمک مؤثری به معلم می‌کند. وجود مشاور متخصص در مدرسه در تسهیل این موضوع بسیار راهگشاست.

انواع تجاوزکاری

تجاوزکاری در کل به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. تجاوزکاری کلامی

مانند اسم گذاشتن روی کسی، طعنه‌زدن، سرزنش کردن، تهدید کردن و امثال آن؛

۲. تجاوزکاری فیزیکی مانند

کتک زدن، لگدزدن، گاز گرفتن

و صدمه‌رساندن به وسایل

متعلق به دیگران. عملکرد

متجاوز نیز با توجه به هدفش به سه شکل نام‌گذاری می‌شود: یکی «تجاوز ابزاری» است که متجاوز هدفش به دست آوردن چیزی است، مثل به‌زور گرفتن وسیله شخصی یک هم‌کلاسی. دوم «تجاوز خصمانه» است که هدف آن فقط درد آوردن و صدمه وارد کردن به دیگری است. سوم «تجاوز تلافی‌جویانه» است که به قصد انتقام‌گیری انجام می‌شود.

تفاوت‌های سنی و جنسیتی تجاوزکاری

برای معلم تشخیص نوع تجاوزکاری ضروری است. به‌طور میانگین، در

سنین پایین‌تر، تجاوزکاری فیزیکی و ابزاری بیشتر به چشم می‌خورد. اما در سنین دبستان، به‌مرور تجاوز کلامی و خصمانه رواج بیشتری پیدا می‌کند. رتبه‌بندی کودکان بین سال اول تا پنجم ابتدایی نشان می‌دهد که میانگین تجاوزکاری با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد.

زورگه

هستند. آزمایش‌ها در مورد افراد بالغ نشان می‌دهد که هورمون تستوسترون می‌تواند در تجاوز کاری انسان‌ها نقش داشته باشد.

بالا بودن سطح هورمون تستوسترون این امکان را فراهم می‌کند که افراد به‌طور طبیعی، به‌خصوص نسبت به تهدیدات و محرک‌ها، حساس‌تر باشند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خلق‌وخوی افراد نیز می‌تواند رابطه‌ای با رشد رفتار تجاوز کارانه داشته باشد.

گرچه تأثیر عوامل محیطی را نباید نادیده گرفت، ولی حداقل بخشی از رفتار تجاوز کارانه را می‌توان به عوامل ژنتیکی نسبت داد.

دارد. در دختران رفتار تجاوز کارانه بیشتر ماهیت اجتماعی پیدا می‌کند. برای مثال اسم گذاشتن روی کسی و پشت سر دیگران حرف‌زدن و شایعه‌پردازی کردن. جنسیت در اندازه‌گیری تجاوز کاری کودکان نقش دارد؛ یعنی افراد جامعه رفتار تجاوز کارانه را در پسران طبیعی تلقی می‌کنند، ولی از دختران چنین رفتاری را انتظار ندارند.

علل بیولوژیکی تجاوز کاری

بیشتر پژوهش‌ها در زمینه تجاوز کاری کودکان در مورد شناسایی علل آن بوده است. در اینجا هم ابتدا علل بیولوژیکی و سپس تأثیر محیطی و شناختی آن را بررسی می‌کنیم.

ثابت شده است که سطح تجاوز کاری شخص در طول سالیان متمادی به میزان قابل توجهی ثابت می‌ماند. از این رو می‌توان پیشگویی کرد که دانش‌آموز متجاوز امروز، در سن ۳۰ سالگی در اجتماع چه رفتاری خواهد داشت. این درجه از ثبات در رفتار تجاوز کارانه سبب شده است پژوهشگران به جنبه وراثتی و بیولوژیکی رفتار توجه کنند. چندین توضیح بیولوژیکی در مورد تجاوز کاری ارائه شده‌اند که عواملی مانند هورمون‌ها، سبک‌های خلق و خوی ذاتی، و سازوکارهای برتری جویی و سلطه‌گری را در تجاوز کاری دخیل می‌دانند. از جمله:

هورمون‌ها

هورمون‌هایی که بدن تولید می‌کند، مسئول بعضی از اختلال‌های رفتاری

برتری جویی
متخصصان علم رفتار حیوانات بر این باورند که تجاوز کاری در طول زمان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. روابط برتری جویانه که از ویژگی‌های بعضی از گونه‌های جانوران است، در میان کودکان انسان نیز وجود دارد و در نتیجه تجاوز کاری ممکن است ریشه تکاملی داشته باشد.

عوامل اجتماعی و محیطی تجاوز کاری شرایط مکانی و محیطی نیز از عوامل بسیار مهم در بروز رفتار تجاوز کارانه‌اند. یک پاسخ متداول به ادعای متخصصان علم رفتار حیوانات که تجاوز کاری در انسان‌ها را ذاتی می‌دانند، این است که چرا در بعضی فرهنگ‌های بدوی موجود در جهان، برخورد میان فردی بسیار نادر است؟

اما نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی، متجاوز بودن را رفتاری بین فردی می‌دانند که می‌توان آن را به‌طور وسیعی با یادگیری اصول اخلاقی کنترل کرد. دو عامل محیطی تأثیرگذار بر رشد رفتار تجاوز کارانه، تعامل‌های خانوادگی و تماشا کردن خشونت در رسانه‌های دیداری- شنیداری هستند.



در بروز خوی تجاوز کاری تفاوت‌های جنسیتی نقش دارند. پسران در طی سال‌های قبل از دبستان رفتار تجاوز کارانه بیشتری از دختران نشان می‌دهند و همین رفتار در سراسر دوران ابتدایی ادامه پیدا می‌کند. رفتار تجاوز کارانه پسران در مقابل هم‌جنسان خود بیشتر از دختران جنبه فیزیکی

فرایندهای خانوادگی

تجاوز کاری کودکان غالباً در تعامل آن‌ها با والدین و کودکان کوچک‌تر خانواده ریشه دارد. مشخص شده است که والدین کودکان متجاوز، به هنگام مشاهده سوء رفتار آنان، به جای به کارگیری استدلال و توضیحات کلامی، بیشتر از روش‌های تربیتی مبتنی بر زور و اجبار و تنبیه بدنی استفاده می‌کنند. خود این برخورد والدین الگوی رفتار پرخاشگرانه و تجاوز کاری کودکانشان می‌شود. از ویژگی خانواده‌های زورگو، نبود رفتار و اظهار نظرهای دوستانه و همکاری کننده و وجود میزان بالای پاسخ‌های منفی و خصمانه است. به طور معمول، والدین زمان قابل توجهی را به سرزنش و تحقیر و تهدید کودکان می‌پردازند. آن‌ها هم به والدین غر می‌زنند و از دستورها سرپیچی می‌کنند. همچنین، یکدیگر را دست می‌اندازند و تحقیر می‌کنند. فرزندانسی که در خانه چنین سبک تعاملی را آموخته‌اند و از یادگیری بیشتر مهارت‌های مثبت بین فردی محروم بوده‌اند، در زمینه‌های دیگر نیز از تجاوز کاری استفاده می‌کنند تا جایی که عملکردشان بهزهکاری و سایر شکل‌های جدی رفتار ضد اجتماعی در نوجوانی و بزرگسالی منجر می‌شود. معلمان همچنین باید آگاه باشند که پاره‌ای از دیگر عوامل خانوادگی نیز می‌تواند زمینه‌ساز تجاوز کاری در کودکان باشد. در خانواده‌ای که نامادری یا ناپدری وجود دارد، ممکن است کودکان در واکنش به نادیده گرفته شدن توسط آن‌ها، درجه‌ای از نوعی تجاوز کاری را نشان دهند. همچنین، ابتلای عضوی از اعضای خانواده، به خصوص پدر یا مادر، به یک بیماری مهلک و بستری بودن دائم او در خانه، وضعیت پرتنش و نابسامانی را در محیط خانه به وجود می‌آورد. بعضی از کودکان در چنین جوی خود را فراموش

شده احساس می‌کنند و در واکنش به احساس ناامنی و فشار روحی حاصل از این جو، ممکن است به هنگام بازی با دوستان هم‌سال یا در مدرسه، از خود نوعی رفتار تجاوز کارانه نشان دهند.

خشونت در تلویزیون و رسانه‌ها

کودکان ممکن است تحت تأثیر تماشای خشونت در تلویزیون و رسانه‌ها، شکل‌های جدید تجاوز کاری را بیاموزند. آن‌ها به طور معمول پس از تماشای یک فیلم خشن برانگیخته می‌شوند و آن را تقلید می‌کنند و به اجرا می‌گذارند. آن‌ها به ویژه خشونت را تقلید می‌کنند که توسط افراد مثبت داستان انجام می‌شود. همچنین، تماشای فردی که از طریق تجاوز کاری به هدفش می‌رسد، مشوق آن‌ها می‌شود. تأثیر مخرب خشونت در تلویزیون این است که ممکن است کودک را در مقابل خشونت مقاوم‌تر کند و او از خشونت دچار رنج کمتری شود. با دیدن فیلم خشن، کودکان متجاوز تر به این گرایش پیدا می‌کنند که برنامه‌های خشونت‌آمیز بیشتری در تلویزیون ببینند.

اثرات شناختی تجاوز کاری

پژوهشگرانی که تجاوز کاری را بر مبنای فرایندهای شناختی بررسی کرده‌اند، بر این باورند که از سال‌های اولیه عمر، کودکان می‌توانند رفتار تجاوز کارانه را تشخیص دهند و درک کنند که آن رفتار ناخوشایند است. کودکان متجاوز، به خصوص پسرها، با هم‌کلاسان خود تفاوت‌های شناختی دارند. برای مثال، این کودکان نسبت به دیگران همدلی کمتری از خود نشان می‌دهند و نگاهشان به جهان مانند بیشتر کودکان نیست.

راه‌های مهار تجاوز کاری تخلیه هیجانی

زمانی این اعتقاد وجود داشت که تجاوز کاری راهی برای «برون‌داد هیجان» است و می‌توان با هدایت انرژی کودک متجاوز به رفتارهای جانشین دیگری مانند ضربه زدن

به کیسه بوکس یا تماشای مسابقه کشتی، این انرژی را تخلیه کرد. اما اکنون نظریه تخلیه هیجانی دیگر کاربرد ندارد.

آموزش والدین

از طریق برنامه‌های آموزش خانواده در مدرسه، روان‌شناسان می‌توانند شیوه‌های مؤثرتر تعامل با کودکان را به والدین آموزش دهند. برای مثال یاد بدهند که به جای استفاده از عبارات‌های منفی از قبیل تهدیدها و امر و نهی‌ها، رفتارهای پسندیده اجتماعی کودکان را با جملات مثبت و به شکل کلامی تأیید کنند و هنگامی که تنبیه را لازم می‌بینند، از تنبیه‌های غیر بدنی با رویه‌ای ثابت و منطقی استفاده کنند. برای آموزش معلمان و سایر مسئولان تربیتی در مواجهه با چنین کودکانی، فنون مشابهی وجود دارد.

روش‌های شناختی

راه دیگر برای کاهش تجاوز کاری، تمرکز بر فرایندهای شناختی است، تجاوز کاری معمولاً با خشم همراه است. اگر این پاسخ عاطفی بتواند با یک پاسخ متضاد، مانند همدلی، جایگزین شود، تجاوز کاری می‌تواند متوقف شود یا کاهش یابد. برای مثال می‌توان برای متجاوز شرایطی ایجاد کرد تا وضعیت روحی فرد صدمه دیده از تجاوز خود را درک کند. یکی دیگر از راهکارهای مؤثر برای پیشگیری از چنین مشکلاتی در مدرسه، آموزش فنون مهارت‌های زندگی از جمله آموزش فنون مهارت کنترل خشم به دانش‌آموزان است. روش شناختی دیگر پیشگیری از تجاوز کاری، آموزش فنون حل مسئله به دانش‌آموزان است. این روش به کودکان می‌آموزد به طور مؤثرتری با موقعیت‌های مشکل‌دار برخورد کنند.

پی‌نوشت

۱. در این مقاله واژه «متجاوز» برابر واژه aggressive انگلیسی انتخاب شده است که معنی پر خاشگری و ستیزه جویی نیز می‌دهد. واژه «خشونت» نیز در برابر violence است.